

روش ایجابی و سلبی در تبلیغ

(۱)



وضع نموده و آنرا در راههای تازه‌ای انداخته
نمی‌توانند بهتر از آن بهره‌مند گردند .

ما نمی‌خواهیم در اینجا از اصول و
فنون مختلف تبلیغ و روشهای نوین آن بحث
و گفتگو کنیم چه این کار احتیاج بمطالعات
دامنه‌دار و وقت مفصل دارد که از عهده ما
خارج است .

تنها هدف ما از این بحث نظری بوضع
تبلیغ در کشورهای اسلامی میباشد .

هرگاه نظری بصدر اسلام بیفکنیم
میبینیم در مدت کمی اسلام در اقطار مختلف
شرق رواج کامل یافت این پیشرفت اصولاً
معلول حقانیت اسلام بود یا چیز دیگر ؟

بررسی حیات پیامبر کاملاً این نکته را
روشن میکند که وی چگونه برای پیشرفت
اسلام فکر میکرد و نقشه‌های ماهرانه میکشید
او هیچگاه از راههای سلبی پیش نمی‌رفت در
تمام حالات سعی میکرد درخور فکر مردم
اسلام را بآنها بفهماند از هرگونه منفی‌بافی
خودداری میکرد در مبارزه بامشرکین هیچگاه
به‌بتهای آنان چیزی نمی‌گفت تنها سخنی که
گاهی نسبت به‌بتهای میگفت « آن بود که اینها
منشأً هیچگونه اثری نیستند و شری را هم
نمی‌توانند از پیروان خود دفع کنند» هیچگاه
گفتاری خلاف ادب و تراکت از وی شنیده نشد
و تنها گفتارش درباره آن قوم درخواست
هدایشان از پروردگار بود .

روش تبلیغ قرآن نیز بهمین ترتیب

قانون تطور در سراسر حیات بشری
نفوذ پیدا کرده و جزئیات زندگانی وی را شامل
شده است .

از دو قرن پیش که علوم مادی بر پایه
تجربه استوار شد تجدیدنظری در علوم و
فنون و تمام شئون حیات بشری بعمل آمد و
کم‌وبیش هر دسته از مردم سعی نمودند در
کار خود روشی صحیح پیش گرفته و با اصول
فنی بکار پردازند فن تبلیغ که از صدر تاریخ
مورد احتیاج بشر بویژه پیامبران و علماء
و زمامداران بوده نیز مشمول قانون تحول
و تطور گشته و یا بتعبیر دیگر تحولی که در
شئون مختلف زندگی بوجود آمد نیازمندان
تبلیغ را ناچار کرد تا در این فن تجدیدنظری
نموده و اصلاحاتی در آن بعمل آوردند که
این موضوع نیز بتواند پایای قافله تمدن
بشری پیشروی نماید . موضوع دیگر که در
اصلاح فن تبلیغ نقش مهمی بعهدہ داشت
ارتباط مردم جهان بیکدیگر و بوجود آمدن
بازارهای بزرگ و رقابت مؤسسات صنعتی و
تجزیه دولتهای جهان میباشد . در دنیای
گذشته اگر تنها پیامبران یا زمامداران احتیاج
بتبلیغ داشتند امروز از طرفداران مذاهب
متعدد و سیاستمداران گرفته تا روسای جزء
در محیط کوچک خود احتیاج مبرمی بفن
تبلیغ دارند .

همین نیاز کامل دنیای امروز سبب شد
که اصول صحیح و اساسی برای این فن

پیوسته جنبه‌های ایجابی داشته و از مشرکین و مخالفین با طرق فنی ایجابی دعوت میکند .
۱- هنگام خطاب بنصاری که برای خداوند قائل بفرزند بودند و میپنداشتند عیسی فرزند خداست چنین میگوید :

« یا اهل الكتاب لا تغلوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله الا الحق انما المسيح عیسی ابن مریم رسول الله و کلمته التيها الی مریم و روح منه فآمنو بالله و رسله و لاتقولوا ثلثه انتھوا خیراً لکم انما الله الہ واحد سبحانہ ان یکون له ولد » (سورة النساء آیه ۱۷۱)

در این آیه باروش فنی بسیار بدیعی بی آنکه نسبت بعقائد پیروان مسیح توهینی وارد آید یا آنها را سرزنش نماید میگوید : پیروان کتب آسمانی نباید در باره عقیده خویش بیش از اندازه خوشبین باشند در گفتار خود نسبت بخداوند بجز حق نگویید مسیح شما کسی جز عیسی فرزند مریم و فرستاده پروردگار نیست بخداوند جهان و فرستادگانش ایمان آورید و دست از عقیده تثلیث بردارید زیرا خداوند جهان یگانه است و سزاوار وی نیست که دارای فرزند و خانواده باشد .

یکی از شرائط فن تبلیغ این نیست که نسبت بعقائد هر دسته یا طایفه‌ای که میخواهیم آنها را بکیش خود جلب نمائیم توهین کرده و ایشان را سرزنش نمائیم و عقائد فاسدشان را هر آن برخ آنان بکشیم .
در جمله اول آیه بی آنکه بگوید حق با کیست میگوید باید از غلو و تعصب در عقیده دست کشیده و در پی حقیقت بود .

در جمله دوم بی آنکه گفتار ناپسند آنان را نسبت بخداوند بخاطرشان بیاورد با بیان کلی بآنها میفهماند که درباره خداوند جز

سخن حق نباید گفت .

در جمله سوم مسیح را معرفی نموده و کمال تمجید از آن جناب مینماید که از نظر تأثیر در نفوس مخالف کمال اهمیت را داراست .

پس از این روش فنی تبلیغی آنها را دعوت بایمان بخداوند و اعتراف برسالست فرستادگانش نموده و بار دیگر بآنان تذکر میدهد که نباید گفتار پیشین را بر زبان برانید سپس توحید اسلام را بآنان میفهماند .

۲- هنگامیکه اهل کتاب با پیغمبر عناد ورزیده از قبول اسلام سرباز زدند خداوند پیغمبر میگوید که بآنها مباحله کن این نیز یکنوع روش ایجابی برای پیشرفت مقاصد است .

۳- پس از چند آیه دیگر به پیغمبر دستور میدهد که از پیروان کتب آسمانی باین ترتیب دعوت کن :

« قل یا اهل الکتاب تعالو الی کلمة سواء بیننا و بینکم الا نعبد الا الله و لانشک بهشیئاً و لایتخذ بعضنا بعضاً ارباباً من دون الله فان تولوا فقولوا اشهدوا بانا مسلمون » (سوره آل عمران آیه ۶۴) .

در این آیه روش ایجابی بنحو اکمل مشهود است از پیغمبر میخواهد اهل کتاب را بموضوعی که آنها و مسلمین هر دو بدان معترفند دعوت کند انتخاب این روبه از ناحیه تأثیر در مخالف کمال اهمیت را داراست زیرا اهل کتاب هنگامیکه دانستند اسلام هم کم و بیش بعقائد آنها معترف است دست از تعصبات و لجاجتهای خود کشیده و باسلام نزدیک میشوند .

اینها نمونه‌های چندی از روش تبلیغی

قرآن بود از رفتار پیغمبر اسلام و یاران وی نیز شواهدی در دست است که از ذکر آنان خودداری میکنیم .

شاید برخی از گفتار ما چنین استنباط کنند که ما در فن تبلیغ تنها بروش ایجابی عقیده مند بوده و راههای سلبی را درست نمیدانیم ولی لازم بتذکر است که روی سخن در این مقال بمسلمانان است که طی دو قرن چگونه در مقابل غریبها حالت سلبی بخود گرفته و نتایج زیان بار آنرا دیده و میبینند .

اولین انتقاداتی که بمسلمین در این عصر وارد است اینکه کمتر برای پیشرفت اسلام فکر میکنند شاید بتوان گفت هیچگاه از طرف زعمای مسلمین نقشه و روش صحیحی برای پیشرفت اسلام وضع نمیشود . در این عصر با وجودیکه وسائل تبلیغ در اختیار ماست کمتر از آن استفاده میکنیم فعالیت های تبلیغی در شرق بسیار ضعیف و اگر زمانی اظهار حیاتی بشود واقعیت است که از مخالفین هجومی شده و مسلمانان در صدد دفاع برآمده اند . مدافعات آنان بیشتر از راه های سلبی بوده و از این رو نتیجه معکوس داده است اکنون برای نمونه دو مورد را یادآوری میکنیم نخست از موارد

بسیار حساس باز شدن مدارس بود که مسلمین بجای اینکه زمام مدارس را در دست گرفته باشند یا اقدام با افتتاح مدرسه با این خصوصیات بکنند برکنار رفته و بنام اینکه مدرسه حرام است و فرزند مسلمان نباید درس فرنگی بخواند بگوشه و کناره ها خزیدند غافل از اینکه مردم حاضر نیستند از مدرسه با آن همه مزایا چشم پوشیده و فرزندان خود را بمکتبخانه ها که از هر جهت نامرتب است بفرستند .

مورد حساس دیگری که در سرنوشت مسلمین از اولی کمتر نبود هنگامی بود که ادارات دولتی از لحاظ تعداد و ترتیب داخلی و خارجی بسبب ادارات غربی بیرون آمد در این هنگام نیز بجای اینکه مردمان صالح و بادیات در شئون اجتماعی دخالت کرده از کارها کناره گرفته و فقط با انتقادات سلبی که احياناً بر علیه دین و حیثیات مسلمین بود پرداختند .

اینها و هزاران شواهد زنده دیگر گواه بر آن روش ناستوده است که پیش گرفتیم . آری انتخاب آن طریقه غلط در گذشته این آینده تاریک که اکنون با آن دست بگریبانیم در پیش داشت .

تبدیل سال هجری بمیلادی عدد ۶۲۲ را بر سال هجری منظور افزوده و سال جاری مورد نظر را بخش به عدد ۳۳ مینمایند و خارج قسمت را از مجموع اولی کسر نموده تا سال مطلوب هجری بمیلادی بدست آید . مثال :

$$۱۳۸۲ + ۶۲۲ = ۲۰۰۴$$

$$۱۳۸۲ \div ۳۳ = ۴۱$$

$$۲۰۰۴ - ۴۱ = ۱۹۶۳$$

س - کدام عددی است که قابل قسمت به - ۱ - الی ۱۰ بوده باشد ؟

ج - عددی که از حاصل ضرب ۳۶۰ در عدد ۷ بدست آید